

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشتۀ: تدارک کمونیستی

۱۷ مارچ ۲۰۲۰

## بحران کرونا و وظایف کمونیستها

لحظه کنونی، لحظه ایست تاریخی. در چنین نقطه عطفی است که نیروهای زاینده نظم نوین و انسانی آینده می توانند شایستگی و صلاحیت خود در اداره امر جامعه را در بوته آزمایش قرار دهند.

جهان از روزهای پایانی سال میلادی گذشته با ظهور ویروس ناشناخته ای به نام کرونا وارد دوران جدیدی شد. در دوران متلاطم کنونی، دورانی که بزرگترین جابه جایی ها در تمام جوه حیات اجتماعی بشر و در تمام کره خاکی در حال وقوع اند، جهان بی وقفه شاهد رویدادهایی بزرگ است. بحران کرونا در میان این رخدادهای بزرگ خود از برجسته ترین رخدادهاست. ویروس کرونا همه تضادهای آشکار و پنهان کل جهان معاصر را در حادثترین و عریان ترین شکلی نمودار کرد و در معرض دید عموم مردم جهان قرار داد. انسان پس از بحران کرونا دیگر همان انسان پیش از این بحران نخواهد بود.

این وضعیتی است جهانی که تا همین امروز نیز اکثریت عظیم کشورها با بیشترین جمعیت دنیا را درگیر خود کرده است و ابعاد جهانی آن هنوز نیز در حال گسترش است.

تمام شواهد پزشکی تاکنونی نشان می دهند که خود ویروس کرونا در شمار خطرناکترین ویروسهای شناخته شده تاکنونی قرار ندارد و میزان مرگ و میر ناشی از آن در قیاس با مرگ و میر ناشی از بیماری های فراگیر بسیار ناچیز است. تنها پنج بیماری فراگیر اصلی در جهان معاصر، از سل تا ملاریا، هر کدام بیش از ۲ هزار نفر را روزانه به کام مرگ می کشند. آنچه کرونا را متمایز می کند، هم وحشت گسترش جهانی آن بدون به رسمیت شناختن مرزهای جغرافیایی و طبقاتی است و هم استفاده از آن به عنوان ابزاری برای تضعیف و تخریب رقباء و دشمنان و بیرون راندن آنان از بازارهای جهانی. از همین رو نیز هست که کرونا علی رغم خطر به مراتب کمتر مرگ بیمار، از ظرفیت به مراتب بیشتری برای تخریب ساختارهای اجتماعی برخوردار است. تخریبی که عواقب آن چه بسا از عواقب خود ویروس کرونا و بیماری کووید ۱۹ زیانبار تر باشد.

برای ایران این بحران در زمانی واقع می گردد که کل جامعه و دولت در مقطعی سرنوشت ساز قرار دارند. بحران کرونا در سالی واقع می گردد که آغاز آن با خانمان براندازترین سیل دهه های اخیر همراه بود و پائیز آن با بزرگترین ناآرامیهای اجتماعی چهار دهه اخیر و رویارویی نظامی با امریکا با تمام عواقب آن. کرونا این چرخه سرگیجه آور

جدالهای عظیم اجتماعی را در زمستان تکمیل نمود تا سال ۱۳۹۸ به عنوان یکی از پر تشنج ترین سالهای تاریخ معاصر ایران ثبت شود.

بحران کرونا برای ایران که در میانه جدالی سرنوشت ساز برای تعیین تکلیف قطعی شکل نظام سیاسی-اجتماعی آینده قرار دارد وضعیتی یگانه را به وجود آورده است. از یک سو تمام نابرابریهای اجتماعی موجود را به فشرده ترین شکلی در عرصه ای حیاتی، عرصه بهداشت و درمان و سلامتی جامعه، در معرض دید همگان قرار داد و از سوی دیگر رابطه گسسته و در هم ریخته دولت و جامعه را باز هم تعمیق نمود.

بحران کرونا در عین حال تبدیل به عرصه دیگری شد که در آن همه نیروهای درگیر در جدال اجتماعی برای تعیین سرنوشت آینده ایران یک بار دیگر امتداد منطقی مشی و سیاست خویش را به نمایش بگذارند. نمایش حقارت آمیز دولت مستقر و رئیس جمهور منفور آن به همان اندازه جزئی از روند تحولات بحران کرونا را تشکیل می داد که پرواز تنفر انگیز لاشخورهای انگل اپوزیسیون برانداز بر فراز فلاکت اجتماعی و دست و پا زدنهای رقت بار هسته صلب نظام و جان کندن آن برای اعلام محدودیت زیارت احرام متبرکه و ممنوعیتهای قسطی نمازهای جمعه. بحران کرونا در عین حال نمایشی دردناک از بحران اقتدار نظم سیاسی در ایران نیز بود و هنوز هم هست. دردناک از آن رو که در کران تا کران این نمایش حزن انگیز هیچ نشانه مشهودی از آن نیروی امیدبخشی نیست که جامعه بتواند به آن اتکاء کند.

اما هر بحرانی در عین حال خود به معنای امکان زایشی نو نیز هست. اگر در میان جریانات حاکم بر مقدرات جامعه این فلاکت است که خودنمایی می کند، در بطن جامعه در کنار رذالتهای تنفر انگیز مثنی سودجو و منفعت طلب، این مقاومت است که شکل می گیرد. به همان اندازه که ناتوانی دستگاه دولتی حاکم آشکار می گردد، به همان اندازه از دل جامعه نیروهائی سر بر می کشند که تن به تسلیم به قضاء و قدر نداده و به مقاومت در برابر آن بر می خیزند. مقاومت نه تنها در عرصه مبارزه با اشاعه ویروس کرونا، بلکه همچنین در مبارزه با انحطاط اجتماعی. انحطاطی که سرکوب خونین طبقه کارگر و کمونیستها و سلطه سالیان طولانی هونیسم و لذت جوئی فردی به ارمغان آورده است. انحطاطی که طبقات مرفه در حال تفریح و تفرج دائمی در داخل کشور و بلندگوهای گوشخراش آنان در استودیوهای لندنی و لوس آنجلسی نمایندگان شاخص آنند.

رفقاء،

وضعیت کنونی وضعیتی است که هم تمامی تضادهای اجتماعی در آن در معرض دید آشکار جامعه قرار می گیرند و هم کلیت جامعه در مبارزه ای با طبیعت درگیر است. پدیده ای از طبیعت که سرمایه داری هنوز قادر به تسلط بر آن و تبدیل آن به عرصه دیگری برای انباشت سرمایه و سودآوری نگردیده است. این مشخصه مشترک لحظه کنونی برای تمام جهانیان است. اما در ایران مؤلفه های دیگری نیز به آن اضافه می شوند که باید بدان پاسخ داد. بحران اقتدار دستگاه دولتی و توان تخریبی دستگاه پروپاگاند جنگی براندازی - سرنگونی طلبی امپریالیستی به همان اندازه جزئی از واقعیت امروز ایرانند که ابتکارات مستقیم توده ئی و عدم تمکین به یک سرنوشت محتوم و تلاش برای فائق آمدن بر این روندهای تخریبگر جامعه. این جامعه ای است که هنوز هم بقایای سنتهای مبتنی بر همبستگی اجتماعی دورانهای پیشین در آن بر جا مانده و جای خود را تماماً به فردگرایی سرمایه داری نداده است و هنوز روح دمیده شده از انقلاب ۵۷ نیز در آن زنده است. مزیت و برتری جامعه ایران بر بسیاری از جوامع کرونا زده دیگر در همین روح تسلیم ناپذیری است که هم در تلاشهای عظیم و طاقت فرسای انبوه انسانهای در حال خدمت در عرصه پزشکی و کلیه خدمات مربوطه خود را به نمایش می گذارد و هم در ابتکارات توده ئی در حال رشدی که در شهرها و محلات مختلف هم برای مهار شیوع ویروس و هم برای مقابله با پدیده منحط لذت جوئی بی قید و شرط در جریان است. این جامعه ایران است.

جامعه ای که علی رغم تمام مصیبت‌هایی که متحمل شده است هم اعتبار عیار بالایی از وجدان اجتماعی در میان بخش‌های وسیعی از توده مردم را نشان می‌دهد و هم به انتظار رستگاری از سوی منجیان اکتفاء نکرده و خود در موقع لزوم دست به عمل می‌زند.

شرایط امروز شرایطی است اضطراری و مثل تمام شرایط اضطراری دیگر هم در برگیرنده مخاطراتی بزرگ است و هم وعیدی برای شکل‌گیری نطفه‌های نظمی نو. اگر قرار باشد کمونیسم بتواند به عنوان نقد پایه‌ئی نظم معاصر و نیروی شکل‌دهنده به نظم نو در جامعه ایران شانس داشته باشد، باید که در چنین شرایطی قادر باشد وظایف خطیر لحظه را درک نموده و بی‌درنگ پاسخ به این وظایف را در دستور کار خویش قرار دهد. این شاخص کمونیسم است و نه اعلام مجموعه‌ای از اعتقادات انتزاعی.

رفقاء،

همچنان که پرولتاریا با انقلاب اجتماعی نه فقط خود، بلکه کل جامعه را رها می‌سازد، سیاست‌ورزی کمونیستی نیز باید بتواند همین خصلت رهائیبخش برای کل جامعه را در چنین لحظاتی بازتاب دهد. حقیقتاً نیز سیاست کمونیستی تنها سیاستی است که در لحظه کنونی می‌تواند به بهترین وجهی منافع عمومی جامعه را نمایندگی کند. نه فقط از آن رو که مبارزه لحظه حاضر در مقابل شیوع ویروس را در دستور کار خود قرار می‌دهد، بلکه همچنین از آن رو که بنیان‌هایی را مورد هدف خود قرار می‌دهد که اکثریت عظیم جامعه را در مقابل مصائب طبیعی بی‌دفاع می‌کنند. کرونا یک ویروس فراگیر است که در اشاعه‌اش نه مرز کشوری به رسمیت می‌شناسد و نه مرز طبقاتی. اما این فقط تا زمانی چنین است که داروی مهار و مداوای آن کشف نشده باشد. به محض کشف این دارو، آنگاه کرونا نیز مانند همه بیماری‌های دیگر واگیر، باز هم قربانی خواهد گرفت اما نه از میان طبقات دارا و متمول، بلکه از میان طبقات محروم جامعه. همچنان که همین امروز سل و ملاریا روزانه هزاران قربانی از میان محرومان جوامع را به کام مرگ می‌کشند بی آن‌که به تیتیر رسانه‌ها بدل شوند. همچنان که گرسنگی روزانه دهها هزار نفر در جهان را به قتل می‌رساند بی آن‌که خارج از کمپسیون‌های فرمایشی نهادهای جهانی سخنی از مبارزه با آن در میان باشد.

بر این اساس لازم است که در هر دو عرصه، هم در عرصه برملا کردن چهره طبقاتی نظم مسلط در تقابل با مصائب طبیعی و هم در عرصه تلاش برای غلبه فوری بر وخیم‌ترین عوارض بحران کرونا اقدام نمود.

### در عرصه مطالباتی

اول - شکی در این نیست که نظام پزشکی در ایران علی‌رغم توانائی‌های بالای علمی، به عنوان نظامی خصوصی سازی شده و متکی بر سودآوری، حتی پیش از بحران کرونا مسبب مرگ هزاران بیمار بوده است. نظامی که نه فقط بیمارستان‌های خصوصی، بلکه همچنین بیمارستان‌های عمومی نیز خدمات پزشکی خود را تنها در مقابل دریافت پول ارائه می‌دهند. رفع این وضعیت و اشاعه گسترده مطالبه "بهداشت و درمان رایگان و برابر در کلیه سطوح و ممنوعیت کامل پزشکی خصوصی" امروز و در بحران کرونا نیز بیش از هر زمان دیگری ضروری است.

دوم - لابی قدرتمند پزشکان در طبقات صاحب امتیاز جامعه حتی در شرایط خطیر کنونی نیز از به کار گرفتن امکانات وسیع بیمارستان‌های خصوصی برای مقابله با بحران کرونا و قرار دادن این امکانات در اختیار عموم خودداری می‌کند. آنجا که این امکانات در چنین جهتی به کار گرفته می‌شوند، منحصراً در اختیار صاحبان قدرت و ثروت قرار دارند. خواست توده مردم محروم فقط می‌تواند این باشد: مصادره فوری و بدون پرداخت غرامت چنین بیمارستان‌هایی.

سوم- بحران کرونا این را نیز نشان داد که کدام اقشار و لایه های اجتماعی در شمار بهره مندان از نعمات و ثروتهای اجتماعی قرار دارند و کدام بخشهای جامعه برای ادامه حیات آن غیر قابل چشم پوشی اند. جامعه از قبیل تعطیلی مجلس و توقف همایشهای سلبریتی نه تنها هیچ ضربه ای متحمل نمی شود، بلکه در غیاب این لایه های مفتخور هم به روال عادی زندگی خود ادامه می دهد و هم به رویکردهای تازه ای از قبیل مطالعه رو می کند که غنای فرهنگی بیشتر جامعه را به همراه خواهند داشت. در مقابل بدون کار پزشکان و پرستاران و پاکبانان و رانندگان و کارگران کشاورزی و تولید کنندگان قند و شکر و الکل و ماسک و دهها رشته تولیدی حیاتی دیگر، جامعه در کوتاهترین مدت از هم فرو خواهد پاشید. نفع عمومی جامعه در برقراری تبعیض مثبت به نفع توده زحمتکشان است. آنجا که امکانات و تجهیزات مقابله با ویروس به اندازه کافی در دسترس همگان قرار ندارند، نخست این توده های زحمتکش اند که در کنار کودکان و سالخوردهگان باید از چنین امکاناتی برخوردار باشند. اگر قرار باشد این امکانات از کسانی دریغ شود، این کسان همان انگلهای جامعه اند و نه انبوه تولید کنندگان.

چهارم- بحران کرونا به طور اجتناب ناپذیری تعطیلی فعالیتهای تولیدی و خدماتی در مجموعه ای از رشته ها را به دنبال خواهد داشت. پرداخت حقوق به این توده ها نباید متوقف شود. مسؤلیت نهائی تأمین زندگی این توده ها بر عهده دولت است. اکثریت عظیمی از این توده ها در منازل اجاره ئی زندگی می کنند. توقف در پرداخت اجاره بهای دوران بحران کرونا امری است حیاتی.

پنجم - آب، برق، گاز و تلفون باید تا زمان رفع وضعیت بحرانی به طور رایگان در اختیار اقشار و لایه های آسیب دیده از بحران قرار بگیرند.

### و در عرصه میدانی

اساس سیاست کمونیستی در عرصه میدانی برای مقابله با وضعیت بحرانی کنونی باید بر ابتکارات توده ئی در محل استوار باشد. چنین ابتکاراتی تا همین امروز نیز به گونه ای خودجوش در حال ظهور اند. گسترش، تقویت و تحکیم این ابتکارات از اهم وظایف کمونیستها در دوره کنونی است.

- تشکیل پویش های محلی برای ضدعفونی کردن معابر و اماکن عمومی،
- تشکیل کمیته های خرید از میان جوانان محل برای سازماندهی امر تأمین مایحتاج روزمره برای سالمندان از طریق جمع آوری لیست نیازمندی های آنان و تهیه و تحویل آن،
- تشکیل تیمهای شناسائی خانواده ها و افراد فاقد امکانات رسانه ئی و مکاتباتی و سر زدن مرتب به این خانواده ها و اطلاع رسانی در زمینه وضعیت سلامتی آنان به ارگانهای مسؤول،
- شناسائی محترکین اقلام مورد نیاز پزشکی و بهداشتی، رسانه ای کردن و در صورت لزوم مصادره این امکانات و به کار گرفتن آن در جهت مقابله با بحران،
- تشکیل گروههای تهیه ماسک و سایر اقلام اولیه، درخواست مواد اولیه برای تهیه این اقلام از ارگانهای مسؤول،

می توانند بخشهایی از این ابتکارات توده ئی را تشکیل دهند. ابتکاراتی که هم به تقویت همبستگی اجتماعی یاری رسانده و هم تأکیدی خواهند بود بر نقش مسؤولانه کمونیستها در مواجهه با مصائب اجتماعی.

رفقاء،

لحظه کنونی، لحظه ایست تاریخی. در چنین نقطه عطفهائی است که نیروهای زاینده نظم نوین و انسانی آینده می توانند شایستگی و صلاحیت خود در اداره امر جامعه را در بوته آزمایش قرار دهند. یا این مصاف را می پذیریم و درهای آینده ای روشن را به سوی خود و جامعه باز می کنیم، یا به نظاره گرانی غمخوار اما بی تأثیر در مسیری فاجعه بار تنزل خواهیم یافت. انتخابی است روشن. این انتخاب است که یک کمونیست واقعی را از یک مدعی پر ادعای کمونیسم متمایز می کند.

تدارک کمونیستی- جنبش برای سازمانیابی حزب پرولتاریا

۲۴ اسفند [حوت] ۱۳۹۸

۱۴ مارچ ۲۰۲۰